

محتوای  
فرهنگی-تبلیغی  
کودک و نوجوان

برای استفاده

مربیان و مبلغان

شعر







محتوای  
فرهنگی-تبلیغی  
کودک و نوجوان  
برای استفاده مربیان و  
مبلغان

شعر



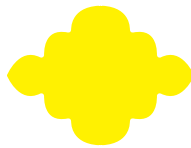


راه امام   ۱۹	شروع   ۹
پر خوری   ۱۹	دعا و اذان   ۹
کربلا   ۱۹	نصیحت (بازیگوشی)   ۱۰
دختران امام حسین   ۱۹	جایزه قلقلی   ۱۰
تشویق گریه نکردن   ۲۰	آفرینش   ۱۰
بچه روستا   ۲۰	شکر الهی   ۱۱
فروع دین   ۲۰	شکر الهی ۲   ۱۱
خانه   ۲۱	مریض کوچولو (بیمار و استراحت)   ۱۱
چراغ راهنمایی   ۲۱	نماز   ۱۱
پلیس   ۲۱	سلام   ۱۲
امامت   ۲۱	عبور از خیابان   ۱۳
خواب   ۲۲	یاد خدا   ۱۳
تلاش   ۲۳	بی بی جان   ۱۳
خدا شناسی   ۲۷	حرف گوش کن بودن   ۱۴
تکبر   ۳۱	نان   ۱۴
خودشناسی   ۳۱	بچه خوب (سحر خیزی)   ۱۴
رام بودن خلقت برای انسان   ۳۲	مسواک   ۱۵
نزدیکی خدا   ۳۳	رهبر ما   ۱۵
عدم دقت   ۳۳	قرآن   ۱۵
ماه رمضان و بخشش   ۳۳	تنبلی   ۱۶
پا تو کفش شعرا (طنز)   ۳۷	اصول دین   ۱۷
(عدم ارزش مدرک)   ۳۷	دروغگو   ۱۷
(پر خوابی)   ۳۷	بچه گل و بلبل است   ۱۷
(پیری)   ۳۷	رفتگر   ۱۷
(توانا بود هر که ... )   ۳۷	تاب تاب عباسی (برنامه روز های
(ارسال نامه)   ۳۷	هفتگی)   ۱۸
(نان از عمل خویش)   ۳۷	رفتن به کودکستان   ۱۸
محتوا عمومی   ۳۷	کتاب   ۱۹
فهرست منابع   ۳۹	





اشعار کودکی





## شروع

به نام خدای بزرگ که پروانه را آفرید  
به روی دو تا بال او خط وخال زیبا کشید  
به نام خدایی که او به خورشید گفته بتاب  
گل و سبزه را ناز کن زمین را پرز آفتاب  
خدائی که با دست او لب غنچه ها باز شد  
نوک زرد بلبل از او پراز شعرو آواز شد  
خدایی که پرواز را به گنجشک آموخته  
لباسی هم از جنس پر برای تنش دوخته  
خدائی که با یاد او دلم می شود مهربان  
خدایی که در هر کجاسن زمین ، توی دل ، آسمان

## دعا و اذان

چه حیوان ملوسی	به به چه خروسی
ببین بال و پرش را	ببین تاج سرش را
اذان گفتن شگونه	خروس ، وقت اذونه
خروس ما را دعا کن	خروس ، سرتو بالا کن

## دعا و اذان ۲

آذان بگواز دل و جان	ای بلبلم بگو آذان
دعایی بهر ما بکن	به زیر لب دعا بکن
او بهترین بچه ها است	هر بچه ای که با خداست
با ادب و هم با حیاست	اخلاقش خوب باصفاست

### نصیحت (بازیگوشی)

با شیر آب بازی نکن	نگا که مثل موش شدی
نازی و شیطون و بلا	چقدر تو بازی گوش شدی
خوبه از من یاد بگیری	بین دارم گل می کشم
مداد زرد من کجاست؟	میخوام یه بلبل بکشم

### جایزه قلقلی

یه توپ دارم قلقلیه	سرخ و سفید و آبی
می زنم زمین هوا می ره	نمی دونی تا کجا می ره
من این توپ را نداشتم	مشقما خوب نوشتم
بابام به من عیدی داد	یه توپ قلقلی داد

### آفرینش

جوجه من چه ماهی	سفیدی و سیاهی
پرهات چه رنگارنگ	راه رفتنت قشنگه
جیک جیک تو چه خوبه	نوک می زنی به دونه
حناییه سر تو	چه خوشگله پرتو
جوجه جوجه طلایی	نوک سرخ و حنایی
تخم خود را شکستی	چگونه بیرون جستی؟
گفتی جایم تنگ بود	دیوارش از سنگ بود
نه پنجره نه در داشت	نه کس ز من خبر داشت
تخم خود را شکستی	یکهو به بیرون جستی
آفریده چه زیبا	تو را خدای یکتا

## شکر الهی

وقت سحر بود، گنجشک نازی  
جیک جیک گنجشک شنیدنی بود  
نزدیک رفتم، پرسیدم از او  
گنجشک زیبا، با خنده گفتا  
بر روی شاخه می‌کرد بازی  
پر زدن او، چه دیدنی بود  
چرا با جیک جیک، می‌پری هرسو  
به جا می‌آرم شکر خدا را

## شکر الهی ۲

منم بچه مسلمان  
کتابم هست قرآن  
به وقت صبحگاه  
که دارم دین و ایمان  
رسولم داده فرمان  
کنم شکر الهی

## مریض کوچولو (بیمار و استراحت)

دکتر چه مهربونه  
زخم منو می‌بنده  
میگه مریض کوچولو  
برو بخواب تو خونه  
درد منو می‌دونه  
باشوخی و با خنده  
دوای تو همینه  
شاد و خرم و راحت  
تاکه بشی سلامت

## نماز

زینب و نرگس، من و سمانه  
امام ما شد، آقا مربی  
الْحَمْدُ لِلَّهِ، شکر خداوند  
خدا بزرگ است، الله اکبر  
رفتیم با هم، نمازخانه  
آهسته می‌گفت سُبْحَانَ رَبِّي  
که داده ما را با خویش پیوند  
کسی نباشد، با او برابر  
فقط خدا را، تا زنده هستیم  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ مَا مِی‌پرستیم

نماز خواندن، چه خوب و زیباست

یاد خداوند، فروغ دلهاست

اتل متل شیرینه

امر خدا همینه

خدا که مهربونه

حال مرا می‌دونه

گناه نکن که زشته

خدا اینو نوشته

خدا که بد نمی‌شه

نماز بخون همیشه

نماز ستون دین

مسلمونی همینه

اتل متل شیرینه

امر خدا همینه

صبح زود است و خواب می‌چسبد

باید اما که باز برخیزم

از اذان پر شده است کوچه‌ی ما

باید از خواب ناز برخیزم

باز مادر بزرگ بیدار است

مادرم غرق در نماز و دعاست

بوی نان برشته می‌آید

بوی بال فرشته می‌آید

با صدای خروس همسایه

می‌شود خواب ناز، شیرین تر

صبح زود است و خواب می‌چسبد

هست اما نماز شیرین تر

## سلام

سلام نشان ادب است

فرشته روز شب است

به هر که کردی سلام

به پدر و به مادر

به خواهر و برادر

می‌گه چقدر با ادب است

سلام را خدا داده

خاتم انبیاء داده

سلام بر محمد(ص)

صلوات بر محمد(ص)

### عبور از خیابان

غصه نخور عزیز من      ای کودک تمیز من  
جایی که خط کشی بُود      چراغ راهنما بُود  
اول به چپ نگاه بکن      بعداً به راست نگاه بکن  
اگر که ماشین نیومد      از خیابون گذر بکن

### یاد خدا

بابا بزرگ چه پیره      الهی که نمیره  
عینک داره با عصا      قصه می‌گه با ادا  
خوشحال مثل بنده      چقدر قشنگ می‌خنده  
یاد خدا می‌کنه      خدمت به ما می‌کنه

به نام آن که باشد مهربان‌تر      برای ما ز بابا و ز مادر  
دهم پندی بکن آویز گوش      مکن هرگز خدای خود فراموش

### بی بی جان

آی قصه قصه، قصه      نون و پنیر و پسته  
مادر بزرگ خوبم      روی پتو نشسته  
من می‌روم به سویش      بوسه زخم به رویش  
می‌گم سلام بی بی جان      توهم مثل آقا جان  
با قصه‌های خوبت      کمی مرا بخندان  
برای من همیشه      خوب و عزیز هستی  
درهای سرد غم را      به روی من تو بستی

### حرف گوش کن بودن

مادر نازنینم	رنج تو را نبینم
خورشید خانه‌ای تو	خوب و یگانه‌ای تو
مثل بازی شیرینی	عزیز و نازنینی
تا آمدم به دنیا	گشودم چشم خود را
تو پرشده ز شادی	غذا و شیرم دادی
قرآن پاک و روشن	گفته است از تو با من
بگشا به رویم آغوش	حرف تو را دهم گوش

بابای خوب و نازم	من با تو سرفرازم
دایم به فکر مایی	تو نعمت خدایی
هر روز بی بهانه	تو می‌روی ز خانه
خدا تو را نگه دار	که می‌روی سر کار
قرآن پاک و روشن	گفته است از تو با من
بگشا برویم آغوش	حرف تو را دهم گوش

### نان

خدا نان داده ما را	سرو جان داده ما را
برای خوردن نان	به ماها داده دندان

### بچه خوب (سحر خیزی)

وقتی خروس می‌خونه	بچه خوب می‌دونه
باید بلند شه از خواب	بخنده مثل آفتاب
بشویه دست و رویش	شانه زنه به مویش



مثل گلا وا بشه      تمیز و زیبا بشه

### مسواک

پیامبر گرامی      داده به ما پیامی  
پیامش را شنیدم      با جان و دل خریدم  
ای کودک توانا      فرزند خوب دانا  
مسواک بزن به دندان      تا شوی شاد و خندان

### رهبر ما

دستامونو می‌بریم بالا      با همدیگه می‌کنیم دعا  
عمر زیاد بده خدا      هم به مامان هم به بابا  
خدا ماها را دوست داره      دعامونو قبول داره  
چشم می‌دوزیم به آسمون      می‌گیم خدای مهربون  
غصه رو از ما بردار      رهبر ما نگه دار

رفته‌ای ز نزد ما      شد پناه تو خدا  
سر بلندی و شرف      از تومانده است به جا  
رهبری ز بعد تو      گشته مقتدای ما  
عالم است و خوش سخن      هم دلیر و باوفا  
ما مطیع امر او      می‌شویم به هر کجا

### قرآن

قرآن باشه بی‌چها      حرف و پیام خدا  
سراسر پند و عبرت      پُر از قصه زیبا  
بخونیمش که خدا      روشن کنه دل ما

از خوندن ما خدا

خشنود می‌شه همینه

۲

رو جانب خدا کن  
دل را تو باصفا کن  
با کلام خدا کن  
جاوید در جهان است

برخیز عزیز بابا  
از حق طلب شفا را  
آغاز هر روزت را  
قرآن عزیز جان است

### تنبلی

بچه زرنگش خوبه  
تنبلی کار زشته  
خود را از آن جدا کن  
جاش توی رختخوابه  
از رختخواب جداش کن

گل همه رنگش خوبه  
توی کتاب نوشته  
تنبلی را رها کن  
تنبل همیشه خوابه  
پاشو بدو صدایش کن

۲

گاو حسن چه جوړه  
راه طویله دوره  
گاو در انتظار  
از تنبلا بیزاره  
تنبلی کار زشته  
از کار بد حیا کن  
زنده بمان ز کوشش  
کار برای خدا کن

اتل متل توتوله  
حسن می‌گه پدر جان  
پدر می‌گه حسن جان  
خدای مهربون هم  
توی کتاب نوشته  
تنبلی رو رها کن  
بدو پسر به دوشش  
شیردوشیدی دعا کن

### اصول دین

اصول دین پنج بود	دانستنش گنج بود
اول بود یکتا خدا	که عالمی کرده به پا
دوم بود عدل خدا	که دنیا گشته باصفا
سوم شده نبوت	بر همه گشته رحمت
چارم باشد امامت	رهبری و هدایت
پنجم معاد باشد	که عدل و داد باشد
هر که ستم نماید	عذاب سختی دارد
هر که نیکی نماید	پاداش خوبی دارد

### دروغگو

دروغگو ای دروغگو	ای بُزدل و ای ترسو
باید بری جهنم	جهنم تو در تو

### بچه گل و بلبل است

آی بچه ها گل هستیم	زنبق و بلبل هستیم
توی این باغ زیبا	توی دشت و تو صحرا
رو دامنه کوه ها	تو گلدون و باغچه ها
هر جا برید ما هستیم	خوشحال و سر حال هستیم

### رفتگر

ای رفتگر عزیز	زحمتش و تمیزی
جاروکنی همیشه	هم خیابان، هم کوچه
کار تو بس شریفه	بهداشتی و نظیفه
زباله را می بری	نان حلال می خری

اگر که تو نباشی میکروب کند سمپاشی  
میکروب مرض میاره مرگ و شرر میاره

### تاب تاب عباسی (برنامه روز های هفتگی)

تاب تاب عباسی	خدا منو نندازی
شنبه شد و یکشنبه	منم خدارو بنده
دوشنبه روز بازی	خدا مرا نندازی
سه شنبه روز نرمش	چهارشنبه روز ورزش
پنجشنبه نزدیک شد	کارهای ما نیک شد
ای بچه توانا	فهمیده باش و دانا
با بچه ها با یک صدا	بخوان سرود جمعه را
جمعه روز عبادت	تمیزی و نظافت

### رفتن به کودکان

وقتی که از خواب پا می شم	مثل يك غنچه وا می شم
تو با غنچه گردش می کنم	يك کمی ورزش می کنم
برای چای و صبحونه	دوان دوان میرم خونه
نان می خورم چای می نوشم	لباسه هایم را می پوشم
بعد با مامان از خونه مون	یواش یواش میریم بیرون
به کودکان می رویم	خوشحال و خندان می رویم
ما می کنیم بازی خوب	با آب و تاب خوب خوب خوب
قصه و شعر هم می خونیم	تو کودکان می مونیم

### کتاب

کتاب من کتاب من	تو می دهی جواب من
من کودکم من کودکم	با دستهای کوچکم
می گیرم و می خوانمت	می فهمم و می دانمت

### راه امام

به مسجد و به مدرسه	نماز را به پا کنید
به انتهای هر نماز	امام را دعا کنید
به جبهه ها، به مدرسه	به راهش اقتدا کنید
مهدی صاحب الزمان	به روز و شب دعا کنید

### پرخوری

ای کودک فرشته، روی کتاب نوشته  
شکمو هر جا دیدی، زود برو هشیارش کن  
نه کم بخور نه زیاد، پرخوری کار زشته  
از خواب غفلت او را، بیدار بیدارش کن

### کربلا

رفتم به صحرا روزی، دیدم مرغی نشسته	گفتم چرا غمینی، گفتا دلم شکسته
امروز عاشورا شده، در کربلا غوغا شده	در چهره یاران دین آثار غم پیدا شده
گفتم به مرغ بی نوا، منزل نما در کربلا	سلام ما را برسان بر آن امام سر جدا
از اصغر رنگین گلو از روز عاشورا بگو	از اکبری که شد شهید، در کربلا کن گفتگو

### دختران امام حسین

رفتم لب رودخونه	دیدم بلبل می خونه
گفتم ای بلبل زرد	بیا به خانه برگرد
مرا بکن جدا تو	از رنج و ماتم و درد

زیارت	سکینه	بابا رفته زیارت
دختر امام حسینه	سکینه نورعینه	سکینه نورعینه
زیارت	رقیه	مادر رفته زیارت
دختر امام حسینه	رقیه نورعینه	رقیه نورعینه
امشب کجا می خوابی	ای مرغ سینه آبی	ای مرغ سینه آبی
صل علی محمد	در حرم پیغمبر	در حرم پیغمبر
سر داد يك ترانه	بلبل زیبا من	بلبل زیبا من
از رنج و غم نشانه	دیگر نبود در او	دیگر نبود در او

### تشویق گریه نکردن

شده صورتم خونین مالین	افتادم زمین از بالا پائین
مادرم گفتا بچه شیرین	خندیدم فقط همین همین
به به آفرین! به به آفرین!	گریه نکردی به به آفرین!

### بچه روستا

ما خوب باصفاییم	ما بچه روستاییم
گُلاش رنگ و وارنگه	روستای ما قشنگه
قدم خوب می دونند	مردمش مهربونند
شکر خدا می گوئیم	همه نماز می خونیم

### فروع دین

بگو فروع دین را	تو ای بلبل زیبا
چون سوسن و سُنبُل است	فروع دین ده گُل است
محبت آرد و انس	نماز و روزه و خمس
کند جهان را آباد	زکات و حج و جهاد

امر به معروف آن      به جامعه دهد جان  
نهی از منکر آن      هدایت گمراهان  
تولی و تبری      باشد صفای دلها

### خانه

اینجا و آنجا پائین و بالا      ساحل دریا، جنگل و صحرا  
خوشند و زیبا، امانت و دنیا      هست خانه، بهتر ز هر جا

### چراغ راهنمایی

دویدم و دویدم      سر چارراه رسیدم  
سه تا چراغ بدیدم      از قرمزش ترسیدم  
زرده که شده نمایان      رفتم لب خیابان  
چراغ سبز که دیدم      از جای خود پریدم  
با شادی فراوان      رد شدم از خیابان  
از خطکشی دویدم      از جای خود پریدم  
با شادی فراوان      رد شدم از خیابان  
از خطکشی دویدم      به ماشینها خندیدم

### پلیس

شبها که ما می خوابیم      آقا پلیسه بیداره  
ما خواب خوب می بینیم      او دنبال شکاره  
آقا پلیس زرنگه      با دزدها خوب می جنگه  
ماها او را دوست داریم      حرفش به جان سپاریم

### امامت

ای یار با شهامت      بگو تو از امامت

دارد دوازده پیشوا	امامت خوش‌نوا
آمده بعد از نبی(ص)	اول آن علی(ع)
فرزند آن بت‌شکن	امام دوم حسن(ع)
که چون ستاره تابید	سوم حسین(ع) شهید
فخر زمان و زمین	چهارم زین‌العابدین(ع)
امام پنجم بگو	ای یار خوش‌گفتگو
با دانش و طاهر است	محمد باقر(ع) است
کاظم(ع) امام هفتم	جعفر صادق(ع) ششم
رضا به حکم قضا	امام هشتم رضا(ع)
دهم علی‌النقی(ع)	نهم محمد تقی(ع)
از عیب و نقصان بری	یازدهم عسکری(ع)
بهر نبی نایب است	دوازدهم غایب است
بر همه خوبان سرور	مهدی(عج) امام آخر
روشن کند جهانی	ظاهر شود زمانی

### خواب

آمد مرا برد در آسمانها	در خواب دیدم یک ابرزیبا
یک دفعه دیدم شد مثل ماشین	آهسته می رفت بالا و پایین،
هی گاز دادم خوشحال و خندان	دیدم شدم من راننده ی آن
ماشین خوبم شد تکه پاره	کردم تصادف با یک ستاره،
یک دفعه خود را در خانه دیدم	از روی آن ابر پائین پریدم،



## تلاش

دانش آموزی به پدرش گفت : چرا من نمی توانم شعر بگویم ؟ گفت: زحمت  
بکشی می توانی. نیمه ی شب پدرش را بیدار کرد و گفت پدر جان شعر گفتم:

آدمی دیدم که هی خط می کشید

از برای رسم زحمت می کشید

گفتمش آخر چرا خط می کشی

از برای رسم زحمت می کشی

گفت آخر جملگان خط می کشند

از برای رسم زحمت می کشند

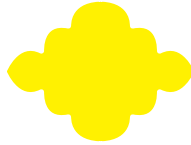
زین سبب من هم همی خط میکشم

از برای رسک زحمت می کشم

پدرش گفت: برو بیشتر زحمت بکش



اشعار، محتوا





## خدا شناسی

پیش از اینها فکر میکردم  
خانه‌ای دارد کنار ابرها  
مثل قصر پادشاه قصه‌ها  
خشتی از الماس خشتی از طلا  
پایه‌های برجش از عاج و بلور  
بر سر تختی نشسته با غرور  
ماه برق کوچکی از از تاج او  
هر ستاره پولکی از تاج او  
اطلس پیراهن او آسمان  
نقش روی دامن او کهکشان  
رعد و برق شب طنین خنده‌اش  
سیل و طوفان نعره‌ی توفنده‌اش  
دکمه‌ی پیراهن او آفتاب  
برق تیرو و خنجر او ماهتاب  
هیچ کس از جای او آگاه نیست  
هیچ کس را در حضورش راه نیست  
پیش از اینها خاطرمد دلگیر بود  
از خدا در ذهنم این تصویر بود  
آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین  
خانه‌اش در آسمان دور از زمین  
بود، اما میان ما نبود  
مهربان و ساده و زیبا نبود  
در دل او دوستی جایی نداشت  
مهربانی هیچ معنایی نداشت  
هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا ...

از زمین از آسمان از ابرها  
زود می‌گفتند این کار خداست  
پرس و جواز کار او کاری خطاست  
هر چه می‌پرسی جوابش آتش است  
آب اگر خوردی جوابش آتش است  
تا ببندی چشم کورت می‌کند  
تا شدی نزدیک دورت میکند  
کج گشودی دست، سنگت می‌کند  
کج نهادی پای لنگت می‌کند  
تا خطا کردی عذابت می‌دهد  
در میان آتش آبت می‌کند  
با همین قصه دلم مشغول بود  
خوابهایم خواب دیو و غول بود  
خواب می‌دیدم که غرق آتشم  
در دهان شعله‌های سرکشم  
در دهان ازدهایی خشمگین  
بر سرم باران گرز آتشین  
محو می‌شد نعره‌هایم بی صدا  
در طنین خنده‌ی خشم خدا  
نیت من در نماز و در دعا  
ترس بود و وحشت از خشم خدا  
هر چه می‌کردم همه از ترس بود  
مثل از بر کردن یک درس بود ..  
مثل تمرین حساب و هندسه

مثل تنبیه مدیر مدرسه  
تلخ مثل خنده ای بی حوصله  
سخت مثل حل صدها مسئله  
مثل تکلیف ریاضی سخت بود  
مثل صرف فعل ماضی سخت بود  
تا که یک شب دست در دست پدر  
راه افتادیم به قصد یک سفر  
در میان راه در یک روستا  
خانه‌ای دیدیم خوب و آشنا  
زود پرسیدم پدر اینجا کجاست  
گفت اینجا خانه‌ی خوب خداست  
گفت اینجا می‌شود یک لحظه ماند  
گوشه‌ی خلوت نمازی ساده خواند  
با وضویی دست و رویی تازه کرد  
گفتمش پس آن خدای خشمگین  
خانه‌اش اینجا در زمین؟  
گفت: آری خانه‌ی او بی‌ریاست  
فرشهایش از گلیم و بوریاست  
مهربان و ساده و بی‌کینه است  
مثل نوری در دل آئینه است  
عادت او نیست خشم و دشمنی  
نام او نور و نشانش روشنی  
خشم نامی از نشانی‌های اوست  
حالتی از مهربانی‌های اوست

قهر او از آشتی شیرینتر است  
مثل قهر مهربان مادر است  
دوستی را دوست معنی می دهد  
قهر هم با دوست معنی می دهد  
هیچ کس با دشمن خود قهر نیست  
قهری او هم نشان دوستی ست  
تازه فهمیدم خدایم این خداست  
این خدای مهربان و آشناست  
دوستی از من به من نزدیکتر  
از رگ گردن به من نزدیکتر  
آن خدای پیش از این را باد برد  
نام او راهم دلم از یاد برد  
آن خدا مثل خیال و خواب بود  
چون حبابی نقش روی آب بود  
می توانم بعد از این با این خدا  
دوست باشم دوست، پاک و بی ریا  
می توان با این خدا پرواز کرد  
سفره‌ی دل را برایش باز کرد  
می توان در باره‌ی گل حرف زد  
صاف و ساده مثل بلبل حرف زد  
چکه چکه مثل باران راز گفت  
با دو قطره صد هزاران راز گفت  
می توان با او صمیمی حرف زد  
مثل یاران قدیمی حرف زد



می توان تصنیفی از پرواز خواند  
با الفبای سکوت آواز خواند  
می توان مثل علفها حرف زد  
با زبانی بی الفبا حرف زد  
می توان درباره ی هر چیز گفت  
می توان شعری خیال انگیز گفت  
مثل این شعر روان و آشنا:  
پیش از اینها فکرمی کردم خدا ...

### تکبر

شعراز جامی

می خرامید چو طاووس به راه	محتشم زاده ای از نخوت و جاه
و از تکبر عَلمی می افراشت	به تبختر قدمی برمی داشت
دلش از نور الهی زنده	عارفی پشت دو تا در ژنده
پند سنجیده پیران بشنو	گفت ای تازه جوان تند نرو
تو بکش زمین روش ناخوش یا	این روش نیست چو خوش پیش خدا
بانگ برداشت ز نادانی گفت	دل او از سخن پیر آشفست
می شناسی که کیم گفت آری	ای که افتاده ز تو بر من باری
که از او شستن ثوب است ثواب	اولت بوده یکی قطره آب
گشته پنهان به یکی تیره و خاک	آخرت جیفه افتاده بخاک
متصل کار تو سرگین کشی است	در میانی که سراسر خوشی است

### خودشناسی

هر کس کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

یا

از کجائی ور چه هستی چستی؟  
نقد هستی را بزن بر نیستی؟  
(صفی علیشاه)

خودشناسی بجز این نیست دُرست  
هستی خویش از هستی غیر

هست تو هستی الحاقی نیست؟  
زهق الباطل و جاء الحق شد

بیخبرار خودی و خویش کنی  
پرهانش ز آرایش و گل

رَبِّ در و با تو سخنگو کرده  
ای پسر جام میم ده که به پیری برسی

حیف باشد چو تو مرغبی که اسیر نفسی  
وه که بس بیخبر از غلغل چندین جرسی

حافظ

ساعتی در خود نگر تا کیستی؟  
در جهان بهر چه عمری زیستی؟  
تا ز احوالت خبردارت کنم

معرفت حاصل سیر تو به توست  
چندجوئی به ره کعبه و دیر

از تو تا حق نفسی باقی نیست  
چون خودی رفت خدا مطلق شد

دل اگر پاك ز تشویش کنی  
رنگ و بیرنگ برانی از دل

دل چو آئینه يك رو گردد  
عمر بگذشت به بیحاصلی و بوالهوسی

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن  
کاروان رفت و تو در راه کمین گاه بخواب

### رام بودن خلقت برای انسان

تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری  
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نببری

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

### نزدیکی خدا

سالها دل طلب جام از ما می کرد	و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود	طلب از گمشدگان لب دریا می کرد
بی دلی در همه احوال خدا با او بود	او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد
روح فیض القدس از باز مدد فرماید	دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

### عدم دقت

گفته آمد این سخن کو گوشها فکر گردو و پنیزند موشها

من بنده شرمنده	تو خالق بخشنده
در پیش تو زبینه	سر به زیر و افکنده
من اینم و تو آنی	آمدم به مهمانی
من بار گنه بردوش	تو بر گنهم مخروش
عفو تو رسد بر گوش	می برد مرا از هوش
ماه رمضان آمد	فرمان امان آمد
من اینم و ...	

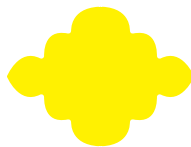
### ماه رمضان و بخشش

حاجتم روا کردی	بنده ام صدا کردی
هر دم بکنم زاری	اشکم بشود جاری
از من تو کنی یاری	پوشی تو ز من خاری
گفتی که بگو رازت	تا من بکشم نازت
من اینم و تو آنی	
هر که را بود آهی	سوی تو شود راهی
از لطف تو الهی	بخشیده پرکاهی
تو خالق سبحانی	بخشنده غفرانی

من اینم و تو آنی  
در بر تو گر پستم  
کرده بخششت مستم  
تو رفع خطا کردی

آمدم به مهمانی  
رو سیه اگر هستم  
دل به عشق تو بستم  
بر من تو عطا کردی

پاتوی کفش  
شعرا





### (عدم ارزش مدرک)

گر ندارد مدرکت ارزش، عزیزم غم مخور  
بر در يك كوزه بگذار و برو آتش  
بخور

### (پرخوابی)

ترسم نرسی به کعبه‌ای اعرابی  
از بسکه تو بین راه هی می خوابی

### (پیری)

جوانی رفت و پیری شد دچارم  
توی واحد همیشه در فشارم

### (توانا بود هرکه...)

توانا بود هرکه دانا بود  
زمستان شد و فصل سرما بود  
توانا بود هرکه دانا بود  
کجا فکر بیچاره دارا بود  
توانا بود هرکه دانا بود  
خط دکتر کی خوانا بود

### (ارسال نامه)

ای نامه که می روی به سویش  
از جانب من بزن تو گوشش

### (نان از عمل خویش)

هر که نان از عمل خویش خورد  
منت شاطر و نانوا نبرد

### محتوا عمومی

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد  
گفتا که من نکردم این کار را نهم کرد

مردان خدا پرده پندار دریدند  
رفتند و بجاش چادر گلداز خریدند

خداوند به فریاد دلم رس  
که من بسیار خوردم سیب نارس

باش تا صبح دولتت بدمد  
چون دمد پوست از سرت بکند

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره مو بمو  
می کنم از سبیل تو ذره به ذره مو بمو

دوش با من گفت پنهان کار دانی تیزهوش  
صبح بعد از خوردن صبحانه یک چای بنوش

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان  
تهران نشه راه بندان از آمدن باران

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی  
ریگان چو برفت از او دیگر نبود نامی

درختی در لرستان سر بریدند  
که از بوی دل آویز تو مستم

کلنگ از آسمان افتاد و بشکست  
و گرنه من کجا و پمپ بنزین



آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است  
کوپن سیصد و هشت مخصوص پودر برف است

اگرداری تو عقل و دانش و هوش  
بزار میخی رو سر با چکش بزن روش  
پایان

## فهرست منابع |



مطالب این جزوه با استفاده از کتب و منابع زیر تهیه و تنظیم شده است

۱. نغمه‌های دینی کودکان | علی صافی نشر راسخون
۲. سرود جوانها | مصطفی وجدانی
۳. نماز و گلشن تکبیر | سید احمد زرهانی
۴. پشت این پنجره‌ها | مصطفی رحماندوست
۵. نغمه‌ها و سرودهای انقلابی | محمد علی عبداللہی
۶. گلبانگ تربیت | از شماره ۱ تا ۷
۷. شعر و شکوفه‌ها | انتشارات مدرسه
۸. سرود بچه‌ها | انتشارات آزادی
۹. مربی و کودک | انتشارات کودک آموز
۱۰. سرود شادی | انتشارات آزادی
۱۱. سرود کوچولوها | انتشارات آزادی
۱۲. پیک‌های نوروزی دانش‌آموزان سالهای مختلف
۱۳. دست‌نوشته‌های مریبان کودک و نوجوان
۱۴. سرودهای اسلامی | جلد ۱ و ۲ | سید ضیاء الدین تنکابنی



